

من در مشترکم مرا فریاد کن

نامه سرگشاده جمعی از کارگران (شاغل و اخراجی، حقوق معوقه) راه آهن تبریز به همقطاران کارگر خود:

در آستانه روز جهانی کارگر مبارزه خود را علیه اخراج، داشتن امنیت شغلی، حق اعتصاب و تشکل شدت دهیم.

ما کارگران ایران به عنوان مولدین تمامی نعمات اجتماعی تحت حاکمیت سرمایه داری در بدترین وضعیت ممکن زندگی میکنیم. در حالی که خط فقر واقعی بیش از یک میلیون تومان است. حقوق تصویب شده از سوی حکومت برده داری اسلامی سیصد و سه هزار تومان برابر با مرگ تدریجی برای طبقه ما می باشد. طبقه سرمایه دار ایران و دولت ننگهبان آن در جهت افزایش بهره کشی و پیاده کردن سیاست های ضد کارگری و ضد بشری که از طرف نهادهای سرمایه داری مانند بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول به آن ها دیکته شده است. از هیچ جنایتی فروگذار نیست. در این تهاجم همه جانبه حکومت پاسدار نظام سرمایه داری با تمامی جناح های خود از اصلاح طلبان گرفته تا جناح سپاه - خامنه ای از تمامی امکانات خود زیر پرچم سرمایه داری جهانی با برنامه ریزی کامل و سازمان یافته و متحد بر عیله طبقه کارگر استفاده کرده است.

در این میان می توان به نمونه های زیر اشاره کرد:

نابودی امنیت شغلی با تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضاء در جهت تهیه نیروی کار ارزان برای سرمایه داری، خصوصی سازی تمام عرصه های (تولید و توزیع، خدمات، درمانی، تحصیلی و ...)، براداشتن گمرکات مرزی، آزادی واردات از طریق باند های مافیای دولتی که باعث نابودی کامل تولیدات داخلی از قبیل صنایع مکانیکی و صنعت کشاورزی شده است. حذف پارانه ها، تشدید سرکوب فعالان کارگری و تمامی تشکل های کارگری، تحمیل دوندگی ۲۴ ساعته برای زنده ماندن، بهره گیری از رقابت و تفرقه درونی ما، تزریق گرسنگی به طور سازماندهی شده، استفاده از مذهب، بیکاری و اخراج زندان و در انتها شکنجه و اعدام). ولی متأسفانه طبقه چند میلیونی ما علی رغم اعتصابات گسترده صنایع (نساجی، ماشین سازی، دارو سازی، نفت و پترو شیمی، حمل و نقل و ...) با داشتن دردهای مشترک نتوانسته در نبود تشکل های پایه ای و **حزب طبقه کارگر** از گسستگی آن جلوگیری کرده و به اعتصابات سراسری دست بزند.

ویژگی اساسی این مرحله از جنبش کارگری را باید در پراکندگی خود بخود آن خلاصه نمود. در کنار ضعف تشکلهای پایدار (صنفی - سیاسی، اتحادیه ها، **حزب** و از علل عدم تشکل پذیری) می توان از انحرافات حاکم بر رهبری جنبش کارگری، علنی گرایی، پرستش حرکات خودبخودی کارگران، فرقه گرایی در اشکال احزاب خود خوانده و سازمان های سیاسی جدا از طبقه کارگر، در کنار سرکوب شدید حکومت فاشیستی - اسلامی و سرمایه داری جهانی نام برد. اما این در حالی است که حکومت اسلامی در ترس از اتحاد طبقه چند میلیونی ما کارگران از یک ماه پیش شورای امنیت ملی، شما به خوانید شورای امنیت (سرمایه داران و بهره کشان) در مورد اعتصابات کارگری وضع کشور را اضطراری اعلام نمود. چرا که طبق آمار خود حاکمیت هر ۵ روز یک اعتصاب مهم رخ می دهد. که در مهمترین آنان می توان اسم کیان تایر، ایران خودرو، ذوب آهن اصفهان، واگن پارس، آلومینیوم اراک، هفت تپه و ... را دید.

در صورت وجود **حزب**، طبقه کارگر می توانست سراسری عمل کرده و نه تنها به بهبودی زندگی کارگران کمک کند بلکه کمر حکومت سرمایه داری اسلامی و جهانی رانیز بشکند. اما متأسفانه به علت ضعف های حاکم بر جنبش کارگری ذکر شده نتوانسته به این هدف نایل شود. می توان گفت نیمی از پتانسیل خود را هدر داده است.

در تبریز نیز مانند سایر شهر های ایران نمونه های بارزی برای اثبات گفته هایمان وجود دارد:

که می توان از اعتصابات صنایع نساجی در مقابل استانداری این شهر (بارها)، واگن سازی تبریز در حالی که صاحب سرمایه دار این کارخانه هر روز با بنز ۳۰۰ میلیونی خود در محل کارخانه حاضر می شود. کارگران واگن سازی ۳ ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اند.

هم زمان با حرکات اعتراضی کارگران مسافر بری صبا در تبریز علی رغم سر و صدای اندکی که در سال گذشته به پا کرد. سیاست مزورانه مدیریت این شرکت با اخراج کارگران پیشرو و تهمت زدن شروع شد. و با اخراج ۲۲ نفر در ۲۰ روز مانده به عید همچنان ادامه دارد. متأسفانه هنگامی که کارگران مشاهده کردند اخراج ها هم چنان ادامه دراد و ادامه اعتصاب منجر

به اخراج بیشتر خواهد شد و فردا نوبت خود آن ها است. در صورتی که خیابان را چند ساعت در اختیار داشتند عقب نشستند. تنها با مبارزه یکدست تمامی قسمت های کارخانه ها و شرکت ها است که می توان در مقابل اخراج ها ایستادگی کرد. اما برخی از کارگران فکر میکنند با سکوت خود و عده ای با تبنای و خود فروشی می توانند از تیغ گیوتین سرمایه داری جان سالم به در ببرند. سخت در اشتباه هستند چون این طبیعت سرمایه داری است. تا زمانی که با هم متحد نشده و دست به مبارزه سراسری نزنیم این روند اخراج ها هم چنان ادامه پیدا خواهد کرد. مدیریت این شرکت با سوءاستفاده از عدم اتحاد کارگران ، دست به اخراج کارگران پیشرو و هشت سال سابقه کار زد. غریزه و پیوند طبقاتی بوجود آمده را نابود کرد و از طرفی روند مبارزه را از برنامه و سازماندهی آگاهانه محروم کرد. اما وظیفه ما و کارگران تبریز در این است که به گرد کارگران پیشرو در جلوگیری از اخراج و بازگشت به کار کارگران اخراجی و گرفتن حقوق های معوقه خود یک صف واحد را تشکیل بدهیم. به گفته رهبر کبیر جنبش کارگری **چاره رنجبران در وحدت و تشکیلات است** . ما فقط با وحدت و **حزب طبقه کارگر** است که می توانیم به مطالبات خود دست پیدا کرده و از یک زندگی انسانی بهره مند شویم.

اما در مقابل این نمونه های ناموفق می توان به اعتصاب پیروزمندانه رفقای خود در تراکتور سازی تبریز که توانستند با اتحاد خود و تهدید به تظاهرات در سطح شهر چنان حکومت اسلامی را به وحشت انداختند که عوامل حاکمیت به سرعت عقب نشینی کردند و کارگران به مطالبات خود رسیدند. در کنار کارگران تراکتور سازی می توان به کارگران پیستون سازی اشاره نمود که با اعتصاب یکپارچه خود مانع از اخراج همکاران قرارداد موقت خود شدند. با عمل و برنامه ریزی سازماندهی خود توانستند پوز مدیریت خود را به خاک بمالند.

تمامی موارد بالا نشان دهنده این است که ما کارگران تنها با اتحاد خود می توانیم در مقابل اتحاد سرمایه داری ایستادگی کرده و کمر آن را بشکنیم.

اگر اصلاح طلبان و جناح های محافظه کار دولت اسلامی در نابودی تمامی دستاوردهای ما بعنوان بخشی از طبقه سرمایه دار متحد و یکپارچه عمل می کنند چرا ما در مقابل آن ها به عنوان یک طبقه متحد نشویم؟

تنها راه و چاره ما در مقابل سرمایه داری در وحدت کل طبقه در **حزب سیاسی سراسری خود** است. تنها در این صورت است که می توانیم به پراکندگی و رقابت درونی خود خاتمه بدهیم. و همانند یک نیروی سراسری هویت خود را به اثبات برسانیم. نقطه شروع **حزب طبقه کارگر سازمانیابی در هسته ها و کمیته انقلابی - مخفی کارخانه ها** در محل کار و زندگی کارگری است. از طریق افراد جسور و آگاه این طبقه است که نطفه این هسته ها بوجود می آید. این هسته ها علاوه بر سازماندهی مبارزات جاری در اتصال با مبارزات گروه های دیگر وظیفه زمینه سازی **ایجاد حزب سیاسی - مخفی و سراسری و متشکل از کل طبقه** را دارند.

در مقابل شدت سرکوب دشمن مخفی کاری و سازماندهی مخفی به طور دقیق **تلفیق کار مخفی و علنی** شرط لزوم و بقای مبارزه است. طی تجارب بدست آمده بخصوص در سالهای اخیر اشتباه و نا آگاهی دوستانی که به طور یک جانبه بر قانونیت- علنی گرایی پافشاری می کردند به اثبات رسیده است. علی رغم اینکه اعتصابات کارگری به امری روزمره تبدیل گشته است ، آیا فرقه های جدا از متن مبارزات کارگری در اشکال سازمان ها و احزاب از خود پرسیده اند چرا هیچ تاثیری روی سازماندهی این اعتصابات ندارند؟!!

رفقا، خواهران و برداران انقلابی، همزمان کارگر

پس بیاییم ...

در روز جهانی کارگر با درس از تجارب جهانی برای ساختن **حزب پولادین کارگری** دور سازمان های رزمنده کارگری حلقه بزنیم. و با ایجاد تشکل های صنفی، اتحادیه ها ، کمیته های مخفی کارخانه ، هسته ها و سلول های مخفی و در انتها **حزب سیاسی طبقه کارگر**، طبقه خود را از بی هویتی و گسستگی نجات دهیم. کارگران و مردم آزاده ایران ، کارگران شاغل راه آهن تبریز، از همکاران و هم طبقه ای های خود به هر شکل ممکن حمایت کنید. مبارزات خود را به صورت آگاهانه و سازمان یافته برای امنیت شغلی، حق تشکل، حق اعتصاب دنبال کرده و بدانید که تنها راه رهایی در مقابل بهره کشی سرمایه داری **حزب سیاسی طبقه کارگر** می باشد.